

مبانی سیاسی برنامه درسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۷

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۹/۴/۲۴

نعمت اله فاضلی^۱

زهرا نیکنام^۲

مفهوم مبانی سیاسی برنامه درسی

برنامه درسی همواره تحت تأثیر عوامل و نیروهای سیاسی بوده است، اما تا قبل از دهه ۱۹۷۰ تلاش می‌شد این حوزه از نظر سیاسی عمدتاً به صورت امری خنثی یا فارغ از جانبداری تا دیده شود. شوبرت^۳ بر این نظر است که، از سه پارادایم مطرح در برنامه درسی، فنی، عملی و انتقادی (مهرمحمدی، زیر چاپ)، فقط در دسته اخیر به ماهیت سیاسی برنامه درسی توجه شده است. دلیل اینکه در دو پارادایم دیگر، برنامه درسی از نظر سیاسی بی‌طرف دیده می‌شد این بود که تصور می‌شد دولت یا حکومت لیبرال همه مردم را یکسان و به‌مثابه شهروندان می‌بیند، فردیت آنان را به رسمیت می‌شناسد و نظام آموزشی و برنامه درسی را به‌دور از تبعیض‌های جنسیتی، قومیتی، اجتماعی، مذهبی و زبانی در اختیار همه آحاد جامعه قرار می‌دهد. اما این تصور سیاست‌زدایی شده از آموزش و برنامه درسی به تدریج از دهه ۷۰ میلادی رنگ باخت و فروریخت.

سیاست در برنامه درسی نقش تعیین‌کننده و بسیار پیچیده‌ای دارد. سیاست و به تعبیر فوکویی آن قدرت یا روابط قدرت به صورت مویرگی در همه‌جا از جمله در برنامه درسی تنیده شده است. فهم این واقعیت زمانی امکان‌پذیر شد که به کمک مطالعات حوزه علوم اجتماعی و انسانی و نیز جنبش‌های اجتماعی جدید، جامعه غرب و به‌ویژه ایالت متحده دریافت که جامعه امریکا انباشته از فقر و بی‌خانمانی، نژادپرستی و تبعیض و به‌طور کلی جامعه‌ایی با ماهیت سیاسی است (پاینار^۴، رینولدز^۵، اسلتری^۶ و تاومن^۷، ۱۹۹۵، صص ۲۴۳ و ۲۴۴). طبیعتاً در چنین جامعه‌ای نمی‌توان انتظار داشت که برنامه درسی بتواند غیرجانبدارانه باشد. به همین دلیل محققان حوزه مطالعات برنامه درسی در دهه ۷۰ میلادی به‌سوی فهم‌های سیاسی از برنامه درسی سوق داده شدند.

با مقدمه فوق، منظور از «سیاسی»^۸ یا امر سیاسی در مبانی سیاسی برنامه درسی، را باید در چهارچوب اندیشه تفکرات پست‌مدرن و پس‌اساختارگرا فهمید. از منظر این صاحب نظران، امر سیاسی صرفاً به معنای حکومت یا دولت نیست، بلکه امر سیاسی از گستردگی و پیچیدگی وسیعی برخوردار است. مفهوم امر سیاسی درهم تنیدگی و پیچیدگی برنامه درسی با شیوه‌های تولید، ساختارهای اقتصادی، ابزارهای تولیدی، فناوری‌ها، ساختارهای اجتماعی و نیز مجموعه‌ی وسیعی از تحولات فرهنگی و ظهور جنبش‌های اجتماعی

۱. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ nfazeli@hotmail.com

۲. استادیار دانشگاه خوارزمی؛ z_niknam@yahoo.com

۳ Shubert

۴ Pinar

۵ Reynolds

۶ Slattery

۷ Taubman

۸ political

جدید و به‌طور کلی کلیت زندگی اجتماعی را نشان می‌دهد (فاضلی، ۱۳۸۹). از این‌رو مبانی سیاسی برنامه درسی را باید با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای و پیچیده برنامه درسی درک کرد.

مبانی سیاسی برنامه درسی، از قلمروهای مطالعاتی متعدد، روش‌ها و رشته‌های دانشگاهی مختلف از جمله تاریخ، فلسفه، مطالعات تطبیقی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی، اقتصاد، مطالعات جنسیت، ... بهره می‌گیرد. می‌توان گفت، هدف مبانی سیاسی برنامه درسی استفاده از این منابع رشته‌ای و معرفتی مختلف برای ایجاد چشم‌اندازی تفسیری، هنجاری و انتقادی برای برنامه درسی درون و بیرون از مدرسه (پروونزو^۱، ۲۰۰۹) است.

گفتنی است سیاست‌آ و سیاسی در مبانی سیاسی برنامه درسی به معنای مباحث و موضوعات مرتبط با سیاست‌گذاری برنامه درسی^۳ نیست. سیاست‌گذاری از جمله مباحث مطرح در برنامه‌ریزی درسی است در حالی که سیاست در این مدخل نوعی چشم‌انداز و افق فکری است که نظام آموزشی را در کلیت جامعه می‌بیند (فاضلی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر در این مدخل، همسو با نگاه نویسندگان کتاب فهم برنامه درسی، برنامه درسی به‌مثابه گفتمان سیاسی (پاینار و همکاران، ۱۹۹۵) و تخیل کلی جامعه درباره آموزش (فاضلی، ۱۳۸۹) دیده می‌شود.

پیشینه و سیر تاریخی

پاینار و همکاران در فصل ۵ کتاب فهم برنامه درسی (۱۹۹۵) با عنوان برنامه درسی به‌مثابه متنی سیاسی، سیر تحولات این گفتمان را تشریح می‌کنند. مصطفی شریف، در کتاب خود منتخبی از این روایت را آورده است (شریف، ۱۳۹۰، صص ۲۱۸-۱۷۶). بر اساس این روایت فهم سیاسی برنامه درسی تا قبل از سال‌های ۱۹۷۰ اهمیت و جایگاهی نداشت. اگرچه در دهه ۳۰ میلادی شکل‌هایی از دیدگاه‌های سیاسی برنامه درسی در آثار جورج کونتز^۴ و هارولد راگ^۵ در خصوص سیاسی کردن اندیشه پیشرفت‌گرایی و کودک-محوری و به‌طور ویژه بازسازی اجتماعی^۶ قابل‌شناسایی است (اپل، ۱۳۹۵، صص ۸۳-۱۲۴). اما این ایده‌ها به دلیل باور به جهان‌بینی فناورانه و اعتماد بنیادین به برنامه‌ریزی علمی نتوانست برای تغییرات پایدار و از بین بردن روابط ناعادلانه و هژمونی ریشه بدواند (اپل، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵).

در سال‌های ۱۹۷۰ در دیدگاه صاحب‌نظرانی با تفکرات مارکسیستی و نو مارکسیستی، فهم سیاسی پست‌مدرن برنامه درسی تعیین و آشکاری می‌یابد. این نظریات پست‌مدرن و پساساختارگرا، مورد توجه صاحب‌نظران برنامه درسی قرار گرفت. این صاحب‌نظران با توجه به تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که به‌طور خاص دنیای غرب در این دهه تجربه کرد، توجه ویژه‌ای به مفهوم زمینه^۷ پیدا کردند تا روایتی از برنامه درسی که با تاریخ عینی تحولات و پویایی‌های جامعه پیوند خورده و درهم‌تنیده هست ارائه کنند. منظور از زمینه، زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به‌طور کلی زمینه سیاسی است.

توجه به زمینه سیاسی برنامه درسی، به دلیل آنکه فهم برنامه درسی در چشم‌انداز کلیت جامعه را به دنبال دارد، با نوعی نگاه تاریخی همراه بوده است. اندیشمندانی مثل پائولو فریره^۸، مایکل اپل^۹ و هنری ژیرو^{۱۰} و جین آنیون^{۱۱} از پیشگامان فهم‌پذیر کردن برنامه درسی از منظر سیاسی آن‌گونه که تجربه می‌شود هستند. پرسش مهم آنان این است که چگونه برنامه درسی همگام و همراه با

¹ Provenzo

² politics

³ curriculum policy

⁴ George S. Counts

⁵ Harold Rugg

⁶ reconstruction

⁷ context

⁸ Paulo Freire

⁹ Michael Apple

¹⁰ Henry Giroux

¹¹ Jean Anyon

تحولات ساختاری جامعه دائم باید فهمیده و از نو باز تعریف شود. نظریه بازتولید و انطباق^۱ و مفاهیمی مانند ایدئولوژی و هژمونی^۲ در برنامه درسی در این دهه به این منظور مطرح شد.

در سال‌های آغازین دهه ۸۰ میلادی، با نقدهای وارد بر نظریه بازتولید، نظریه مقاومت^۳ (ژیرو، ۲۰۰۶) مطرح شد. بعلاوه در این دهه نظریه فمینیسم یا نظریه معطوف به جنبش زنان مفهوم امر سیاسی و پیوند آن با برنامه درسی را عمق بخشید و سیاسی بودن برنامه درسی را از فهم‌های متعارف یا دم‌دست که گویی سیاست یعنی دولت‌ها یا نظام‌های سیاسی حاکمیتی به‌عنوان متولیان نظام آموزشی فراتر برد. در این دهه نظریه انتقادی^۴ (با اندیشه‌های مکس هورکهایمر)، نظریه رادیکال^۵ و به‌ویژه نظریه فمینیسم نشان دادند که سیاست یا امر سیاسی ریشه‌های خود را از درون پیوندهای اجتماعی روابط قدرت، روابط هژمونی که در سنت‌ها، آیین‌ها، مذاهب‌ها و به‌طور کلی حیات اجتماعی اخذ و از آن طریق خودش را با برنامه درسی درگیر می‌کند.

در دهه ۹۰ میلادی یک نوع چرخش گفتمانی^۶ در نظریه سیاسی برنامه‌درسی به وجود می‌آید (پاینار و همکاران، ص ۲۸۳). این چرخش گفتمانی به‌ویژه حول مفاهیم مطرح در حوزه مطالعات فرهنگی^۷ مانند مفهوم فرهنگ‌عامه^۸ یا مفاهیمی است که نشان می‌دهد حوزه برنامه درسی با تمام اجزاء فرهنگ، سیاست، قدرت و به‌ویژه در فضای رسانه‌ای شده جدید، فضای سیاره‌ای شده و جهانی شده درگیر است (فاضلی، ۱۳۸۹). از این دوره به بعد به‌طور آشکاری حوزه برنامه درسی متناسب با تحولات سایر حوزه‌های معرفتی دیگر تغییر می‌کند.

از نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی بحث سواد جدید^۹ که برای این استریت^{۱۰} و جان ویلینسکی^{۱۱} مطرح کردند گفتمان برنامه‌درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بحث‌هایی که امروزه و در قرن بیست و یکم در گفتمان سیاسی برنامه درسی در جریان است، شامل مباحث متعددی با نقد نظریات مارکسیتی و نظریه انتقادی است که در اواخر قرن بیستم مطرح شد. از جمله این مباحث نقدهای مطرح حول بحران‌های محیط زیستی است. در این سال‌ها مباحث گسترده‌ای اندیشه سیاسی برنامه درسی را تحت تأثیر خود قراردادند. برای نمونه می‌توان از آموزش صلح^{۱۲} به‌عنوان مفهومی انتقادی، نام برد.

در سال‌های اخیر بحث‌های جدیدی درباره مفهوم «فضا»^{۱۳} و آنچه که فوکو^{۱۴} و دیگران به آن چرخش فضایی می‌گویند، طرح شده است. مفهوم فضا ریشه در اندیشه‌های روانکاوی اجتماعی یورگن هابرماس^{۱۵} دارد. در آثار جو کینچلو^{۱۶} و پاینار شاهد تلاش آنان در استفاده از این مفهوم به‌عنوان ایده سازمان دهنده و مرتبط کننده مباحث سیاسی، اتوبیوگرافیکال، نژادی و جنسیتی در برنامه درسی هستیم. علاوه بر مفهوم فضا، «شهروندی» و سیاست‌گذاری عمومی^{۱۷} نیز در نظریه انتقادی و سیاسی برنامه درسی تأثیر کلیدی

1 Reproduction and correspondence theory

2 hegemony

3 Resistance

4 Critical theory

5 Radical theory

6 Discursive shift

7 Cultural studies

8 Popular Culture

9 New literacy

10 Bryan Street

11 John Willinsky

12 peace Education

13 place

14 Michel Foucault

15 Jürgen Habermas

16 Joe L. Kincheloe

17 Public policy

داشته است. نشانه‌شناسی^۱، پسا‌ساختارگرایی، پیشرفت‌های اخیر در حوزه جامعه‌شناسی علم، جامعه‌شناسی معرفت، و جامعه‌شناسی یا مطالعات علم و فن‌آوری، مفهوم برنامه درسی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

مفاهیم، نظریه‌ها و جریان‌های اجتماعی کلیدی

نظریه‌ها و مفاهیم متعددی برای فهم سیاسی برنامه درسی مطرح شده‌اند. در این بخش به تعدادی از این مفاهیم به‌طور مبسوط‌تر می‌پردازیم. محققان برنامه‌درسی از این مفاهیم برای آشنایی‌زدایی از اشکال پیچیده تبعیض‌ها، قشربندی‌ها، نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که برنامه درسی بازتولید می‌کند بهره گرفته‌اند. توجه به این موضوع که برنامه درسی موجب بازتولید قشربندی اجتماعی^۲ و نابرابری‌ها می‌شود، انگیزه و انرژی زیادی به محققان این حوزه داده است (پاینار و همکاران، ص ۲۴۹). به‌گونه‌ای که در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی حوزه‌ی مطالعات برنامه‌درسی هم پای تأثیری که این مفاهیم در علوم سیاسی، فلسفه سیاسی در حوزه علوم اجتماعی و به‌ویژه در مطالعات فرهنگی داشت پیش آمد. در ادامه به توضیح بیشتر این نظریه‌ها و مفاهیم و بعدازآن جریان‌های اجتماعی اثرگذار می‌پردازیم.

نظریه بازتولید: اولین نظریه مهمی که برای توضیح سیاسی برنامه درسی در اوایل دهه ۷۰ مطرح شد، نظریه بازتولید یا نظریه مطابقت است. این نظریه بیان‌کننده این است که چگونه مدارس به بازتولید ساختار طبقاتی سرمایه‌داری و محیط کار می‌پردازد. در اصطلاح مارکسیسم کلاسیک، زیربنا، روبنا را تعیین و تبیین می‌کند. همخوان با این ایده مارکسیستی اپل و ژيرو این استدلال را مطرح کردند که مدرسه و دانشگاه در راستای بازتولید ساختار طبقه‌ای بازار کار عمل می‌کنند (شریف، ص ۱۷۸ به نقل از پاینار و همکاران). مایکل اپل (۱۳۹۵، ۱۳۹۳، ۱۳۹۷) از مهم‌ترین رهبران فکری این نظریه، در آثار اخیر خود، از منظر اقتصاد سیاسی به‌نقد نئولیبرالیسم آموزشی پرداخته است. به این معنا که صاحبان سرمایه، نظام آموزشی را همچون کالایی مبادله‌ای می‌بینند. او بر این نظر است که این نگاه تجاری و کالایی شده، برنامه‌درسی را از هدف‌های انسانی خود دور و تبعیض و نابرابری را تشدید کرده است.

ایدئولوژی: ایدئولوژی در اندیشه‌های لویی آلتوسر^۳، جایگاه ویژه‌ای دارد. آلتوسر مدارس و نظام آموزشی را همچون ابزار دستگاه ایدئولوژیک دولتی معرفی می‌کند. او در نشان دادن اینکه چطور ایدئولوژی به تولید و خلق معنا می‌پردازد سهم تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت فهم سیاسی برنامه‌درسی دارد. بر اساس این روایت آلتوسری که به‌ویژه بر اندیشه ژيرو (۱۹۸۳)، اپل (۱۳۹۳) و مک لارن^۴ (۱۹۸۹) تأثیر عمیقی هم به‌جای می‌گذارد، برنامه‌درسی در واقع نظامی از بازنمایی‌ها^۵ تلقی می‌شود که در راستای مطیع و مقهور ساختن طبقه کارگر عمل می‌کند.

نظریه انتقادی: این نظریه با اندیشه‌های هورکهایمر، تئودور آدرنو^۶، والتر بنیامین^۷، یورگن هابرماس، هربرت مارکوزه^۸ و به‌طور کلی اندیشمندان مکتب فرانکفورت اشاره دارد. اصطلاح مکتب فرانکفورت به مجموعه‌ی کار فیلسوفان و ناقدان فرهنگی و عالمان اجتماعی اشاره دارد که عضو «موسسه‌ی پژوهش‌های اجتماعی فرانکفورت» بودند یا با آن رابطه داشتند. نظریه انتقادی، به‌ویژه به مفهوم «نقد»^۹ توجه خاصی دارد. نظریه انتقادی، دین بزرگی درباره کاربرد مفهوم «نقد» برای فهم ایدئولوژی، روابط هژمونی، روابط قدرت و نقد بنیان‌های فلسفی و نظری برنامه درسی دارد (قادری، ۱۳۸۹). اندیشه‌های هنری ژيرو و فلیپ وکسلر^{۱۰} در حوزه مطالعات برنامه درسی را می‌توان نمایندگان مکتب فرانکفورت دانست.

¹ semiotic

² social stratification

³ Althusser

⁴ Peter McLaren

⁵ Systems of representations

⁶ Theodor Adorno

⁷ Walter Benjamin

⁸ Herbert Marcuse

⁹ critical

¹⁰ Philip Wexler

برنامه درسی پنهان: فلیپ جکسون^۱ در سال‌های ۱۹۷۰ این مفهوم را مطرح کرد. برنامه درسی پنهان در دهه ۹۰ میلادی به‌مثابه «خرده ساختار برنامه‌های درسی^۲» صورت‌بندی جدید می‌یابد. جکسون و افرادی مانند مک‌لارن و هانسون^۳ و دیگران از این مفهوم به‌عنوان بخشی از زبان انتقادی و ابزار مفهومی برای فهم‌پذیر کردن سیاسی برنامه‌درسی استفاده می‌کنند. مایکل اپل هم در دهه‌ی ۷۰ هنگامی که برنامه‌درسی را به‌مثابه متن سیاسی می‌دید به این مفهوم توجه جدی داشت و با این مفهوم برنامه درسی را به مفهوم هژمونی، گره می‌زند.

هژمونی (سلطه): این مفهوم ابداع آنتونی گرامشی^۴ فیلسوف سیاسی ایتالیایی در سال‌های ۱۹۲۰ است. در سال‌های ۱۹۸۰ تحت تأثیر نقد ایدئولوژیک، نظریه‌ی انتقادی و نظریه‌ی بازتولید، ایده‌ی اینکه برنامه‌درسی قشربندی اجتماعی را بازتولید و تولید می‌کند توجه محققان را به خود جلب می‌کند. اینکه چطور طبقات اجتماعی، نژاد و جنسیت در پیوند با آن قشربندی اجتماعی و یا نظم سلسله مراتبی و روابط هژمونی و قدرتی که در حیات اجتماعی به‌ویژه در ساختار سرمایه‌داری جای گرفته‌اند هستند.

مقاومت^۵: از اواخر دهه ۷۰ و در دهه ۸۰ میلادی مفهوم مقاومت برای پاسخ به نقدهای مطرح بر نظریه بازتولید و برای نشان دادن قدرت عاملیت در برابر ساختارها مطرح می‌شود. این مفهوم را عمدتاً افرادی مانند دوسر تو و امیل فورد در مطالعات فرهنگی به‌طور گسترده‌ای مطرح کردند (فاضلی، جزوه چاپ‌نشده). در مطالعات برنامه‌درسی این ایده در مردم‌نگاری‌های انتقادی آموزش مدرسه‌ای^۶ پل ویلیس^۷، به‌ویژه، در کتاب مشهور او با عنوان یادگیری کارگر: چگونه بچه‌های طبقه کارگر مشاغل کارگری به دست می‌آورند (۱۹۷۷)^۸ مطرح شد. بحث اصلی ویلیس این است که چطور و چرا دانش آموزان طبقات کارگر در برابر اهداف آموزشی و برنامه‌درسی مدرسه مقاومت می‌کنند و تن به بازتولید آن ارزش‌ها و دانش‌هایی که مدرسه می‌خواهد به آن‌ها تحمیل نکند نمی‌دهند (فاضلی ۱۳۹۲، صص ۲۲۳ تا ۲۳۰).

پداگوژی/انتقادی^۹: در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی، سنت پداگوژی انتقادی با آثار افرادی مانند هنری ژبرو، استنلی آرنویتس^{۱۰} و پتر مک‌لارن، بر اساس آراء نظریه‌پردازانی مانند مایکل یانگ^{۱۱}، باسیل برنشتاین^{۱۲}، ریموند ویلیامز^{۱۳}، استوارت هال^{۱۴} ریچارد جانسون^{۱۵}، پل ویلیس^{۱۶}، آنتونیو گرامشی و پاول فریره و نظریه انتقادی مطرح می‌شود (کریدل^{۱۷}، ص ۱۴۷). پداگوژی انتقادی تعاریف جدید و طنین‌های تازه‌ای از نظر فهم‌پذیر کردن لایه‌های عمیق و پنهان روابط هژمونی و روابط قدرت، تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، قومیتی، نژادی در مدرسه و در سطوح مختلف را نشان می‌دهد. تعهد اصلی پداگوژی انتقادی ایجاد تحول اجتماعی به‌منظور خیر جمعی است (مک‌لارن و کرافورد^{۱۸}، ص ۱۴۷) تلاش پداگوژی انتقادی زدودن دوگانه معلم-شاگرد و تبدیل همه یادگیرندگان، از طریق عمل انتقادی^{۱۹} به عاملان تغییر اجتماعی است.

¹ Philip Jackson

² Curricular substructure

³ Hansen

⁴ Antonio Gramsci

⁵ Resistance

⁶ Critical ethnographies of schooling

⁷ Paul Willis

⁸ Learning to labour: How working class kids get working class jobs

⁹ critical pedagogy

¹⁰ Stanley Aronowitz

¹¹ Michael Young

¹² Basil Bernstein

¹³ Raymond Williams

¹⁴ Stuart Hall

¹⁵ Richard Johnson

¹⁶ Paul Willis

¹⁷ Craig Kridel

¹⁸ Krawford

¹⁹ critical praxis

جنبش چپ جدید^۱: این جنبش ابتدا در بریتانیا و سپس در ایالات متحده و بعد به تمام اروپا گسترش پیدا کرد. رهبران جنبش چپ جدید افرادی مانند استوارت هال^۲ و ریموند ویلیامز^۳ بودند. این جنبش فکری فراگیر، به نقد سرمایه‌داری جدید می‌پرداخت و این‌که چطور سرمایه‌داری شکل فرهنگی به خود گرفته است. این جنبش با ایجاد نوعی آگاهی انتقادی از روابط نابرابر سودسالارانه و جامعه بازار و در واقع سیطره عقلانیت ابزاری، از طریق نظام‌های آموزشی، فرهنگ عامه‌پسند می‌نامند را عامل تولید و بازتولید برمی‌شمارد (فاضلی، جزوه چاپ‌نشده). اینان با به‌کارگیری مفهوم هژمونی مطرح‌شده از سوی گرامشی نشان می‌دهند که مفهوم زیربنا و روبنا مطرح در اندیشه‌های مارکسیسم کلاسیک با افزودن عامل فرهنگ همچنان برای نقد سرمایه‌داری قابل‌استفاده است. در حوزه برنامه درسی عامل فرهنگ، آموزش است. در سال‌های ۱۹۸۰ به بعد نقش معلمان به‌عنوان نیروهای کارگزار بازتولید‌کننده روابط هژمونی و عوامل آن مورد توجه محققان مطالعات برنامه‌درسی قرار می‌گیرد.

جنبش‌های استقلال طلبانه در کشورهای غیرعربی: در قرن بیستم شاهد جنبش‌های استقلال طلبانه و به دنبال آن استقلال سیاسی کشورهای تحت استعمار در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین هستیم. برخی از نظریه‌پردازان مسائل کشورهای استقلال‌یافته، با نگرشی انتقادی نسبت به دوران پس از حاکمیت استعمار بر این نظرد که اگرچه اشغال نظامی و سیاسی سرزمین‌ها توسط استعمارگران به پایان رسیده است، اما مناسبات قدرت میان فرهنگ استعمارگر و این کشورها همچنان پابرجاست. فرانتس فانون^۴، ادوارد سعید و هومی بابا^۵ از جمله اندیشمندان اولیه مطالعات پساستعمارگرایی^۶ هستند. پساستعمارگرایی با جایگزینی استعمار به‌مثابه اشغال اذهان، فرهنگ و هویت به‌جای فتح فیزیکی کشورها، بررسی هژمونی فرهنگی و ایدئولوژیک را در کانون توجه خود قرار می‌دهند. اندیشه پساستعماری با نقد اروپامحوری^۷ آموزش و پرورش، به بررسی تداوم نفوذ استعمار در کشورهای غیرعربی به نقش مدرسه و برنامه‌درسی به‌عنوان عامل انتقال و استمرار ساختارها و اقدامات استعماری در کشورهای استعمارزده می‌پردازند. برنامه‌درسی می‌تواند به ابزاری نواستعماری برای برخی کشورهای امپریالیست مبدل شود و این کشورها از این طریق می‌توانند به بازتولید اندیشه‌های خود در کشورهای در حال توسعه بپردازند.

منابع

- اپل، مایکل دبلیو (۱۳۹۷). دانش رسمی: آموزش دموکراتیک در عصر محافظه‌کاری، ترجمه نازنین میرزابیگی، تهران: آگاه.
- اپل، مایکل دبلیو (۱۳۹۵). آیا آموزش می‌تواند جامعه را تغییر دهد؟ ترجمه نازنین میرزابیگی، تهران: آگاه.
- اپل، مایکل دبلیو (۱۳۹۳). ایدئولوژی و برنامه درسی. ترجمه علیرضا شواخی. تهران: نوشته.
- ژوف، پاملا بولتین (ویراستار) (زیر چاپ). فرهنگ‌های برنامه‌درسی، ویراست دوم مترجم محمود مهرمحمدی (ویراستار). تهران: سمت.
- شریف، مصطفی (۱۳۹۰). برنامه‌درسی؛ گفتمان نظریه، پژوهش و عمل برنامه درسی پست مدرن، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۹). مردم‌نگاری آموزش، تهران: نشر نی.
- فاضلی، نعمت الله. فرهنگ و قدرت، درس گفتارهای آشنایی با مطالعات فرهنگی، جزوه چاپ نشده.
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۲). پشت دریاها شهری است: فرایندها، روش‌ها و کاربردهای مردم‌نگاری شهری، تهران: تیسرا.
- فریره، پائولو (۱۳۵۸). آموزش ستم‌دیدگان. ترجمه احمد بیرشک و سیف الله داد. تهران: خوارزمی.

¹ New left

² Stuart Hall

³ Raymond Williams

⁴ Frantz Fanon

⁵ Homi Bhabha

⁶ Postcolonial Studies

⁷ Eurocentrism

قادری، مصطفی (۱۳۸۹). *نظریه انتقادی تعلیم و تربیت: نقد برنامه درسی مدرنیته و سرمایه داری متأخر*. تهران: یادواره کتاب. ویندیشتل، مارک و ژوف، پاملا بولتین (زیر چاپ). *رویاری با نظم حاکم*. در فرهنگ‌های برنامه‌درسی، ویراست دوم، ترجمه محمود مهرمحمدی (سر ویراستار). تهران: سمت.

Au, W. (2009). Fighting with the text: Contextualizing and recontextualizing Freire's critical pedagogy. In M. W. Apple, W. Au, & L. A. Gandin (Eds.), *The Routledge international handbook of critical education* (pp. 221–231). New York: Routledge.

Giroux, H. A. (۲۰۰۶). *The Giroux reader*. London, Paradigm Publisher.

Giroux, H. A. (1988). *Teachers as intellectuals: Toward a critical pedagogy of learning*. New York: Bergin & Garvey.

Giroux, H. A. (1997). *Pedagogy and the politics of hope: Theory, culture, and schooling, a critical reader*. Boulder, CO: Westview Press.

McLaren, P. L & Crawford, J. (2010). *Critical pedagogy*, in *Encyclopedia of curriculum studies*, edited by Craig Kridel. SAGE Publications, Inc.

McLaren, P., & Lankshear, C. (1993). Critical literacy and the postmodern turn. In C. Lankshear & P. McLaren (Eds.), *Critical literacy: Politics, praxis, and the postmodern* (pp. 379–419). Albany, NY: State University of New York Press.

Pinar, William F., Reynolds, W. M., Slattery, P., Taubman, P. M. (2008). *Understanding curriculum: an introduction to the study of historical and contemporary curriculum discourses*. P. Lang. Retrieved from Provenzo, E. F.(ed.). (2009). *Encyclopedia of the social and cultural foundations of education* SAGE Reference Publication.

Roberts, P. (2010). *Cultural Studies in Relation to Curriculum Studies*, in *Encyclopedia of curriculum studies* edited by Craig Kridel. SAGE Publications, Inc.